

شده منزل خود آمدند. در صورتیکه آخوند ملا محمد کاظم برای اموال ایشان کراراً به رئیس انجمن استرآباد نوشته ابدأ کسی اعتنائی به حکم معظم‌الیه نکردند.

درباب چهار اسیر شهری

بیست و نهم ماه می جمعی از سواراهالی شهر برای آوردن علف يك فرسخی شمالی رفته، تراکمه جعفربائی آمده چهار نفر با چهار رأس مال را گرفته بردند.

درباب رفتن مدیر به بار فروش

روز مذکور مدیر روس برای مطالبات اتباع خود از راه خوجه نفس به بار فروش رفته شب را بندر جز می‌رود. خبر دادند که در ساری دو نفر ارمنی تبعه روس از جانب صنیع‌الدوله درمازندران چای کاشته بودند. در قریه سمس‌کنده يك نفر رعیت رامق‌تول و ایالت ساری آنها را گرفته حبس کرد. بعد رعایای سمس‌کنده ازدحام کرده توی دیوانخانه ریخته دو نفر ارمنی را به قتل رسانیدند. مدیر مذکور سیام ماه می میرزا جعفر منشی را از بندر برای فرستادن به ساری احضار کرده رفتند.

درباب سیل عظیم و قتل دو نفر

ایضاً در این هفته همه روزه بارندگی شدید و برق و صاعقه از اطراف سیل عظیم جاری، سلخ ماه می کربلائی غلامرضا کرمی بایک نفر بچه درویش از راه بندر جز عازم شهر بودند، يك ساعت به غروب رودخانه انجیراب نیم فرسخی مغربی رسیده داخل رودخانه شدند. سیل مزبور کربلائی غلامرضا و بچه درویش [را] برده محاذی قریه اجابن انداخت. روز غره ماه جون جمعی از کرمی‌ها رفته نعش غلامرضا و بچه درویش را پیدا کرده به شهر آورده دفن کردند.

نمره ۱۰۰

۸ ماه جون

درباب سرقت

شب دویم ماه جون پنج نفر ترکمان طایفه داز به شهر آمده دو رأس الاغ متعلق به سیدافضل کرمی تبعه دولت فخمیه را به سرقت بردند.

حرکت اردو

ایضاً خبر رسید نواب والا بعد از گرفتن مالیات رامیان پانصد تومان از نجف بیک کلاتر جریمه و چوب مفصلی زد. شیخ عبدالحسین رامیانی را نامربوط زیادی گفته

اردورا به سمت سنگر حاجیلر که اول مال گوکلان موسوم به قراگول منعقد و منتظر ورود قلیچ ایشان است که مالیات گوکلان را جمع آوری نمایند.

درباب نظمیه بندر و کردمحلہ

سیم ماه مذکور مشارالدوله رئیس عدلیه، مبشرهمایون و علی اکبرخان پسر خود را بندر جز فرستاده در آنجا نظمیه برقرار نمایند. مراجعت از بندر در کردمحلہ هم نظمیه دایر شود. لکن نظمیه بندر به ریاست سرحددار نباشد اشکال دارد. تا چه اقتضا کند.

درباب فرامین و حقوق

ایضاً وزیر داخله تلگرافی به انجمن استرآباد نمودند تشکیل کمیسیون داده شود که صاحبان حقوق آنچه از قدیم و جدید حقوق می برند فرامین خود را به کمیسیون مزبور ارائه داده و سواد آن را بانمره در دفتر ثبت کرده به طهران بفرستند که یک نفر آدم به اسامی مختلفه حقوق نبرد.

رفتن سوار ترکمان به سر حیدرآباد

شب پنجم ماه جون خبر رسید سوار جعفربائی به قریه حیدرآباد یک فرسخی مغربی رفته پاترده رأس گاو چپاول کرده رعایا با تراکمه زد و خورد کرده، یک نفر زن تیر گرفته گاوهارا بردند.

درباب مطبقه و محرقه

اوایل بهار تا کنون مرض محرقه و مطبقه در استرآباد شدت نموده خصوصاً در اطفال که در حین این مرض آبله گرفتند و در بین آبله محرقه وارد شد که خیلی از اطفال به این ترتیب فوت شدند.

آمدن سوار به محمدآباد

شب ششم ماه مذکور ساخلوی قریه محمدآباد یک فرسخی شمالی خبر داد که اهالی قریه محافظت خود را داشته باشند. سه ساعت به غروب صد سوار جعفربائی برای چپاول گاو به محمدآباد آمده اهالی قریه جلوگیری و چند تیر تفنگ طرفین خالی کرده سوارها برگشتند، در صورتیکه همروزه خوانین جعفربائی خدمت ایالت در اردو رفته خلعت و انعام گرفته مراجعت می نمایند.

دربا بقتل ترکمان

شب هفتم ماه جون پنج نفر سوار طایفه داز و ایلغی به قریه حیدرآباد یک فرسخی مغربی رفته اهالی قریه یک نفر سارق را تیرزده بایک اسب تیرافتاده، نعش مقتول را از طایفه ایلغی به صحرا بردند.

نمره ۱۵۱

۱۵ ماه جون

چپاول نوده میرزا اسمعیل خان

نهم ماه جون خبر رسید سوار طایفه قجق يك بلوك گاو از نوده چهارفرسخی گنبد قابوس چپاول کرده دونفر آدم مقتول و چهارنفر را بردند. ایالت شخصاً به گنبد رفته به توسط کموسر روس چندسوار چکت رفته گاوها را با چهارنفر گرفته مسترد نمودند.

سرقت مال

ایضاً خبر رسید تراکمه داز يك رأس یابو از قریه ترنگ تپه سدفرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب حرکت اردو

دهم ماه مذکور خبر رسید اردو از قراگول حرکت کرده به سمت چقر ۱۸۵ رفته مشغول جمع آوری مالیات گوکلان می باشند.

درباب نظمیہ مازندران

ایضاً حسن خان پسر مختار السلطنه ریاست نظمیہ مازندران وارد شدند.

ورود اعتصام الممالک بندر جز

یازدهم ماه جون اعتصام الممالک کارگذار استرآباد از راه رشت وارد بندر گردیده به کفیل کارگذاری تلگراف کرده خانه اجازه نماید. موقتاً خانه مرحوم میرسعیدالله خان ایلخانی را برای ورود مشارالیه گرفته، بعد از ورود خانه پیدانماید.

در باب قتل دو نفر ارمنی

به عرض رفته بود دونفر مسیحی را در مازندران به قتل رسانیده يك نفر تبعه دولت روس بود. مدیر روس از بارفروش به اتفاق رکن الوزاره کارگذار به ساری رفته از قرار مذکور می خواهند به هفت هزار مناط اصلاح نماید. تاجه شود.

نزاع آقا سید یعقوب

سیزدهم ماه مذکور آقا سید یعقوب مجتهد با سیدعلی اکبر و غیره سرآب دری که باغ ۱۸۶ رفته پسر شیخ حمزه بارعیای اوزینه رسیده نزاع سختی نمودند که چند نفر از کسان

۱۸۵ - بصورت «چقر» هم در مراجع آمده است.

۱۸۶ - اصل: پله باغ.

سیدی یعقوب سرودست شکسته بدشهر آمدند. تاجچه شود.

درباب باران

۱۴ ماه جون باران گرفت. دوساعت بدغروب شدت کرده بدفاصله يك ساعت ونیم تمام خانه ها وشهرهای بلدرا آب باران مانند سیل جاری شد که اکثر از خانه های قدیم را خراب و سردابها مملو از آب [شد] در اطراف چقدر خرابی کرده باشد معلوم نیست.

در باب قتل مجاهدین

لعنعلی خان سالار مکرم باچند نفر مجاهد از طهران وارد شده برای اجرای قانون ده نفر مجاهد در کلباد فرستاده، حاج جعفر خان پسر سالار مکرم امر کرده رعایای کلباد چهار نفر از مجاهدین را مقتول وباقی فراراً بدساری رفتند. تاجچه اقتضا کند.

نمره ۱۵۲

۲۵ ماه جون

درباب ورود اعتصام

شاهردهم ماه جون اعتصام الممالک کار گذار استر آباد با اهل و عیال در منزل مرحوم میر سعدالله خان ایلخانی وارد گردیده، بیرونی را در ارگ دولتی عمارت سلیمانخانی قرار دادند.

درباب گاو کرد محله

هفدهم ماه مذکور صد و پنجاه سوار طایفه جعفر بائی و پیاده از سرحد قریه کرد محله چهار فرسخی مغربی بسخو داشته چهار صد رأس گاو، هشت رأس مادیان از قریه مذکور چپاول کرده بردند.

درباب لخت کردن چوپان

شب ۱۹ ماه جون سه نفر ترکمان جعفر بائی در گدوک جهان نما بسخو داشته، ابراهیم نام چوپان مراجعت به شهر نموده تراکمه اورا لخت کرده مال و چهار من روغن واسباب متفرقه را بردند.

درباب قتل دونفر مسیحی در مازندران

ایضاً مدیر روس از مازندران مراجعت نموده از قرار مذکور دونفر مسیحی يك نفر تبعه روس بوده و يك نفر را می گویند تبعه دولت فخمیه انگلیس است. لکن روسها

ده هزار ۱۸۷ منات خونی تبعه خود را از اهالی مازندران با حضور رکن الوزاره کارگذار به طور سخت گرفته وجه را به استرآباد آوردند.

در باب باران

بیست و سیم ماه مذکور دو ساعت از روز گذشته باران گرفت. بیست و چهار ساعت تمام بارندگی سخت که اکثر قنوات را در دهات خراب کرده و سه طفل در قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی تلف شده و مبلغ زیادی بدخانه های شهر خسارت وارد کرده. پیرمردان می گویند ماها را یاد نمی آید مانند این دوباران در مدت عمر دیده باشیم. در این مدت بیست و چهار ساعت باران، ده دقیقه مکث نداشت.

در باب تلگرافی ایالت

نواب والا تلگرافی به حاج شیخ حسین رئیس انجمن نموده است که در گوکلان مشغول گرفتن مالیات و خانواری پنج تومان و نیم مالیات می دهند. انشاء الله اواخر ماه جمادی الثانی اردو را حرکت داده به شهر خواهم آمد. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۵۳

۶ ماه جولای

در باب استعفای حاج شیخ حسین از ریاست

معظم الیه به واسطه اغتشاش ولایتی و بی اعتنائی خلق به حسب ظاهر از ریاست انجمن استعفا داده، ریاست را به حاج محمد رضا واگذار کرده در باطن به دستور العمل مشارالیه رفتار می نمایند.

در باب شرارت باباخان جعفر بائی

نواب والا به خوانین جعفر بائی خلعت و انعام داده باباخان را اعتنائی نمی کند. مشارالیه تعرضاً از اردوایل دو بیست نفر سوار بشی اسقه را جمع نموده به سرقریه محمدآباد می رود. بین راه دو نفر سوداگر شهری را لخت کرده چهار من روغن، چهل و دو تومان وجه گرفته بعد به محمدآباد آمده، اهالی قریه قبل از وقت مطلع بوده تفنگ زیادی به سوارهای ترکمان خالی کرده فرار نمودند.

در باب نایب الحکومه

میرزا محمدخان که سابق از طرف ایالت حاکم بسطام و شاهرود بوده اهالی شاهرود

از دحام کرده اورا بیرون می نمایند. مشارالیه به اردوی گوکلان رفته نواب والا اورا از طرف خود نایب الحکومه استرآباد قراردادہ غرمہ ماہ جولای از راہ کتول وارد بہ دیوانخانہ شدند.

درباب نزاع اردو

ایضاً خبر رسید پسر قلیچ ایشان یاغی شدہ، ایالت صدنفر سوار یموت را برای گرفتن مالیات فرستادہ نزاع نمودند. چہار نفر از گوکلانی مقتول، دو نفر مجروح شدہ سوارہای یموت چہاراسب، دو قبضہ تفنگ و راندل، دو قبضہ برزنکہ بادو نفر زخمی را گرفته خدمت ایالت آوردند کہ یک نفر زخمی در اردو فوت شدہ. بعد ریش سفیدان گوکلان در اردو قراردادند کہافی السابق خانواری پنج تومان مالیات بدهند. مراجعت از اردو بکلی جواب کردہ کہ دیناری مالیات نخواہیم داد. دوسہ مرتبہ بہ اردو ہجوم آوردہ، ایالت امر کردہ چند تیر توپ برای آنها خالی کردہ متفرق شدند. تاچہ اقتضا کند.

درباب قتل قزاق روس

دویم ماہ جولای، دریاییگی روس باگماشتہ لیانازوف میہمان مدیر روس بودند. دونفر قزاق از طرف مدیر بدملاکیلہ رفته نمایندہ راہ باشند. ایشان بہ واسطہ خوردن مشروبات بہ وقتہ ۱۸۸ رفته امر می نمایند دونفر قزاق بہ اتفاق ملاخان «اگنط» گموش تپہ بروند دونفر ترکمان کہ سابقاً طور ماہیگیری را سرقت کردہ حبس نمایند. قزاقہا با ملاخان بہ گموش تپہ رفته ترکمان را گرفته حبس نمودند. ملاقربان بردی از کسان مقصرین بہ خیال کشتن ملاخان آمدہ، ملاخان فرار کردہ دونفر قزاق ملاقربان بردی را چسبیدہ دونفر قزاق را با کارد می زند. یکی فوراً فوت شد و یکی ہم مجروح شدہ. ترکمان قاتل تفنگ خود را گرفته فرار کرد. خبر بہ مدیر روس دادند. بہ اتفاق میرزا جعفرخان و دو غلام بہ گموش تپہ رفته نعش یک نفر قزاق را بہ قونسولگری فرستادہ دفن کردند. قزاق دیگر را بہ عشورادہ فرستادہ معالجہ شود. شخصاً سہ شب توقف کردہ، سی نفر سوار چکت از گنبد قابوس احضار، بیست نفر سالداد از عشورادہ آوردہ چہار تیر توپ از توی دریا بہ گموش تپہ شلیک نمودہ بعد یازدہ نفر از کسان قاتل را دستگیر کردہ بہ عشورادہ فرستاد و پنجادہ نفر سوار چکت و سالداد را در خانہ های کسان قاتل منزلادہ روزی شصت منات مخارج از تراکمہ گرفته نا علاج شدہ قاتل را بیاورند. سیم ماہ مذکور مدیر روس مراجعت نمودہ لاکن تراکمہ گموش تپہ اکثر با اہل و عیال متواری شدہ متوحشند. تاچہ اقتضا کند.

درباب لخت کردن ترکمان

چہارم ماہ جولای دونفر حیدرآبادی رعیت صمصام لشکر نیم فرسخی شمالی بسخو نمودہ یک نفر ترکمان آتابائی را لخت کردہ یک بار آرد بایک رأس مال اورا گرفته رفتند.

رفتن سوار به اردو

ایضاً نواب والا از جعفر بائی و آتابائی سوار خبر نموده روزی سه قمران جیره به سوارهای یموت می دهند. این دوروزه به قرب سیحند نفر سوار یموت به اردوی گوکلان و به کمک ایالت رفتند. تاجه شود.

نمره ۱۵۴

۱۳ جولای

درباب حرکت اردو

هفتم ماه جولای نواب والا حرکت اردو را از رامیان تلگراف نموده از قرار مذکور طایفه گوکلان از کثرت شرارت و تفنگ زدن به اردو نواب والا را فرار داده اردو را مراجعت دادند.

درباب رفتن مدیر بیلاق

نهم ماه مذکور مدیر روس از شدت گرما و هوای مختلف استرآباد به زیارت خواسته رود ۱۸۹ بیلاق رفتند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه داز دورأس مال از قریه میر محله سه فرسخی مغربی سرقت کرده بردند.

درباب سرقت

شب دهم ماه جولای دزد طایفه آتابائی به شهر آمده از محله میدان خانه یک نفر سعدآبادی را شکافته یک رأس مال به انضمام دوسه پرگاله مس به سرقت بردند.

درباب قتل قراق

ایضاً خبر رسید ملا قربان بردی فراراً به چکشلر رفته پرستاف روس قاتل مزبور را دستگیر نموده تلگرافاً به مدیر قونسولگری اطلاع داده میرزا جعفر خان منشی را به زیارت احضار کرده دستور العمل برای یازده نفر تراکمه گموش تپه که در عشوراده فرستاده بدهند.

درباب رفتن اعضای انجمن

حاج محمد اسمعیل و قاضی احمد و حاجی محمد رحیم اعضای انجمن به سبب حرفهای

زشت و نامربوط که چندی قبل در تعاقب نواب والا امیر اعظم می گفتند به عنوان زیارت خراسان به سمت شاهرود حرکت و طفره دادند.

درباب ورود اردو به خاک کتول

شب یازدهم ماه مذکور نواب والا برای تصفیه امورات مفاخر الملك پسر علی محمد خان کتول در پیچاك محله ۱۹۰ توقف داشته اجزاء و بعضی اسباب متفرقه را از دهنه زرین گل به کلاته خیج فرستاده دوسه نفر کدخدایان کتول را برای اموال منهو به مفاخر الملك دستگیر کرده شب دوازدهم را در حسین آباد ملك میهمان ساعدلشکر بوده روز مذکور ناهار در سرخونکلاته میهمان حیدرقلی خان پسر رحیم خان بوده، توپخانه را جلو روانه داشته شخصاً يك ساعت به غروب وارد به استرآباد درب انجمن پیاده شده، نیم ساعت مختصراً گزارشات گوکلان را عنوان کرده مراجعت به دیوانخانه نمودند.

نمره ۱۵۵

۲۵ جولای

درباب ایراد انجمن

نواب والا ورود به استرآباد هزار و دویست از بابت وجوهات اعانه که در دست حاج زکریا ۱۹۱ برده شده، برای حقوق سه ماهه سرباز دامغان و سمنان می خواهد. اعضای انجمن جواب دادند که شما در این مدت هشت ماه شصت هزار تومان برداشت نمودید، اضافه بر این آنچه ترا کمه اسب تقدیم کرده اند تمام متعلق به انجمن و باید صرف ملت بشود. نواب والا تعرضاً فوج دامغان و سمنان را مرخص کرده تفنگها را به ذخیره تسلیم نموده تماماً رفتند. چند روزی بین ایالت و اعضای انجمن به دادن پیغامات خشن گذشت. ظاهراً اصلاح نمودند.

درباب قتل سید عبداللہ

شاهردهم ماه جولای برای قتل مرحوم سید عبداللہ، حاج محمد رضا رئیس انجمن در مسجد جامع ختم گذارده، قهوه و قلیان می دادند. روز هفدهم نواب والا به مسجد رفته ختم را برداشتند.

درباب حکومت مازندران

ایضاً خبر رسید حاج مجد الملك معزول شده، نظام السلطان به حکومت ساری برقرار

۱۹۰ — معمولاً در مراجع پیچاك محله آمده است.

۱۹۱ — اصل: ذکر یا.

۱۹۲ — پانویس ندارد.

گردید و قشون استرآباد و مازندران سپرده به ایالت استرآباد است. مدحت الممالک رئیس قشون مازندران معزول نواب والا محمدحسین خان امیرپنجه توپخانه را به ریاست قشون انتخاب کرده بروند. تاجه اقتضا کند.

درباب کتول

حسب الامر ایالت ساعدلشکر با پنجاه نفر پیاده و سواره برای گرفتن خیرالله [از] بستگان مفاخرالملک به کتول رفته سیصد تومان وجه بایک اسباز خیرالله گرفته مراجعت نمودند. چند نفر رؤسای کتولی که در حبس ایالت هستند از بابت محصول سنه ماضیه سند ذمه ای ۱۹۳ به آقاخان مفاخرالملک بدهند.

درباب قتل بچه

علی اکبرنام صفار در قریه اجابن باغ فالیز خریداری کرده، بیستم ماه جولای یک بچه به سن دوازده ساله توی باغ رفته، صفار مذکور خیال داشت که با اولواط کند، باتفنگ به سمت بچه حواله نموده غفلتاً تفنگ خالی شده بچه اجابنی فوت شد. اهالی قریه نعش طفل را به شهر آورده در انجمن و در خدمت ایالت بردند. حسب الامر صفار قاتل را گرفته حبس نمودند.

در باب یساقی

تراکمه جعفربائی شب ۲۱ به قریه یساقی سه فرسخی مغربی رفته اهالی قریه خبردار شده جلو گیری نمودند. یک نفر تراکمه [را] گرفته دورأس اسباز آنها تیرافتاده فرار کردند.

درباب میهمان مدیر روس

صبح بیست و دویم ماه جولای مدیر روس به شهر آمده به ایالت پیغام دادند برای ورود صاحب منصب روس استقبال لازم است. سه ساعت به غروب یک نفر نماینده از طرف کارگراری و یک نفر میرپنجه توپخانه با چند سوار از طرف ایالت یک فرسخی شمالی در یکه مازو استقبال مقارن غروب دریاییگی و رئیس شیلات وارد به قونسلخانه شدند. لکن از بابت قتل قزاق مدیر روس یازده نفر ترکمان که در عشوراده حبس بودند اجازه داده. رها نمود. قاتل را هم دستگیر نموده مجازات می دهند و هزار مناطهم خون بهای قزاق را به توسط کارگراری مطالبه دارند.

درباب تراکمه به شهر

شب ۲۳ ماه مذکور تراکمه آتابائی جنوبی شهر پشت بدنه در باغ نورخان گرمی رفته گرمی ها خبردار شده، طرفین شلیک تفنگ می نمایند. پسر نورخان گرمی را به سن

دوازده تیر گرفته مشغول معالجه می‌باشند.

درباب سرحددار بندر و حرکت امیراعظم

ایضاً معاضدالملک سرحددار خدمت نواب والا رسیده ایالت یک‌رأس اسب به‌او بخشیده و‌اورا مراجعت داده که هشتادقاطر برای حرکت امیراعظم از بندرجز بفرستند. بیست‌وچهارم ماه جولای معاضدالملک هشتاد قاطر به‌عبارت چهارصد و هشتاد تومان کرایه نموده به‌شهر فرستادند. نواب والا صبح بیست و پنجم بامتعلقات و عیال استرآبادی صبیبه علی‌نام توشنی را به‌سبب حمل‌مشارالیها حرکت کرده به‌شاهرود رفتند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۵۶

غره ماه اگست

درباب اسیر

شب ۱۶ جولای تراکمه جعفربائی به‌کفشگیری دو فرسخی مغربی رفته یک‌نفر آدم گرفته بردند. چون اهالی یساقی دوشب قبل را یک‌نفر کمان را تیرزده بودند لذا اسیر مذکور را به‌صحرا برده قتل رسانیدند.

درباب چپاول

شب روز ۲۷ ماه مذکور سوار جعفربائی به‌قریه چهارده، چهار فرسخی مغربی ایلغار نموده یک بلوک گا و چپاول کرده بردند.

درباب شرارت کتول

به‌عرض رفته بود نواب والا سه نفر کدخدایان کتول را برای تصفیه امورات مفاخر الملک در شهر آورده حبس نمودند. بعد از حرکت ایالت اهالی کتول دو نفر تراکمه داز را در عوض کدخدایان که در شهر حبس بودند گرو می‌نمایند. تاجه شود.

درباب نایب‌الحکومه

نواب والا روز حرکت از استرآباد مهدی‌خان ساعدلشکر را احضار و نایب‌الحکومه قرار داده به‌شاهرود رفتند. مشارالیه باین اغتشاش سرحدی و نداشتن قوه مجریه و متفرق شدن کلاتران بلوک و اعتراض داروغه‌های یموتی ناعلاج شده لوازمات حکومتی را تلگرافاً از نواب والا امیراعظم درخواست نموده، هرآینه به‌موجب سفارش نامه امیراعظم انجمن ولایتی اقدامات لازمه را در باب لوازمات و همراهی با نایب‌الحکومه نمودند فیهالمراد والا ساعدلشکر هم تعرضاً همین دو روزه به‌دهات ملک خواهند رفت. تاجه

اقتضا کند.

درباب چپاول گاو

۲۹ ماه جولای به تحریک امیر اعظم محمدخان ایلی بیایزده سوار به قریه حسین آباد ملک رفته یک بلوک گاو چپاول کرده یک نفر آدم مقتول، یک نفر را هم بردند.

درباب سرقت گاو

ایضاً خبر رسید قربان نیاز اتابائی ساخلوی قریه نومل دوفرسخی شرقی یازده رأس گاو از نومل سرقت کرده بعد از دو روز صاحبان گاو بیست تومان وجه برده گاوها را مسترد نمودند.

بقیه حسین آباد ملک

به عرض رفته محمدخان ایلی گاوهای حسین آباد را چپاول کرده طایفه دازساخلوی قریه مذکور سه بلوک گوسفند، سه نفر چوپان طایفه ایلی را در عوض گارهای حسین آباد گرو نموده بردند. تاجه شود.

نمره ۱۵۷

درباب خفه شدن بچه

دویم ماه اگست همشیره زاده حاج شیخ حسین دختری دوازده ساله توی حوض افتاده خفه شد.

درباب کتول

اعضای انجمن و تجار به واسطه غارت اموال علی محمدخان که اهالی کتول آنچه اشیاء نفیسه و اجناس قیمتی بود در شهر آورده به ایشان دادند به این جهت راضی نیستند مفاخر الملك در کتول تصرفات نماید و سه نفر رؤسای کتول که در حبس بودند بیرون آورده میرزا هادی خان سرتیپ برادر ایلخانی را به حکومت کتول برقرار نموده به اتفاق حیدرخان کتولی و غیره رفتند.

اغتشاش مازندران

ایضاً خبر رسید در اشرف پولیس از یک پیرمرد که پشته علف آورده ده شاهی مطالبه می کند. پیرمرد به انجمن و غیره فحش داده، پولیس او را با تفنگ زده فوت شد. اهالی اشرف ازدحام نموده رئیس نظمیه را بیرون کردند. در ساری هم خلق بلوای سخت

نموده اعتنائی به عدلیه و نظمیه ندارند. تاجچه شود.

نظمیه استرآباد

سه چهار ماه است پولیسها مواجب نگرفته تماماً استعفا نمودند. مبشر همایون رئیس نظمیه مدتی در تلگرافخانه متحصن گردیده کسی به او جواب نداد. اعضای انجمن صلاح دیده حسین خان بیگلربیگی و محمود کلاتر که تازه به توسط سپهدار حکم کلاتری به او مبدول شده شهر را باهم نگاهداری نمایند. ایشان هم به سبب خصومت سابقه نوعاً قبول نکردند.

درباب انجمن

ایضاً به واسطه خبرهای وحشت آمیز که از اطراف به استرآباد رسیده اعضای انجمن مترلزل گردیده چند روز است به توسط ساعدلشکر می خواهند بین علما و تجار و غیره الفت و اخوت نمایند. اشخاصی که از مشروطه خواهان صدمه خورده اند شب و روز در فکر اسباب چینی و تحریک و تحریض اشرار و الواط می باشند. تاجچه اقتضا کند.

درباب امین مالیه

نهم ماه اگست يك نفر پیر مرد بایک زن پیر و يك نفر نوکر ریش سفید از راه شاهرود وارد گردیده امین مالیه استرآباد است.

نمره ۱۵۹

۲۵ اگست

درباب سرقت

شب ۱۲ ماه اگست تراکمه اتابائی به شهر آمده در شمالی شهر يك باب آسیاب را شکافته صد و پنجاه من آرد به سرقت بردند.

دربا بقتل

ایضاً خبر رسید در چهارده کلاته شش فرسخی دامغان سرخرمن دو نفر سیاه چادر را به قتل رسانیده، گماشته امیر اعظم قاتلین را دستگیر نموده در دامغان حبس نمودند.

درباب تیر خطا

چهاردهم ماه مذکور پنجاه شصت نفر اهالی محله پای سرو به عنوان تفتیش در بادآب اوزینه رفته، طرف عصری مراجعت می نمایند. چند نفر آنها مست بوده به مشروطه

خواهان نامربوط [می‌گویند] و عربده می‌کردند، غفلتاً تیری در میان آنها به دست حسین‌خان خیاط وارد شد.

درباب مدیر روس

مشارالیه چندی به عنوان بیلاق به زیارت خاسته‌رود رفته مقصود کلی حفرارضی آنجا بوده چندی هم به سمت شاهکوه و تاش رفته چند نقطه را حفر کرده اثری به‌ظهور نرسانیده. شانزدهم ماه اگست مراجعت به‌شهر نمودند.

درباب سرقت

اوباش والواط محله سرپیر باتراکمه اتابائی همدست‌شده گاوه‌ای شهری را سرقت کرده به صحرا می‌برند.

ایضاً

شب هجدهم اگست تراکمه طایفه داز به‌شهر آمده یک آسیابی را خراب نموده، چهاربار آردو گندم سرقت کرده بردند.

درباب خوانین فندرسک

چندی بود میرزامهدی‌خان و میرزاهادی‌خان برادرهای ایلخانی به‌شهر آمده امورات خود را تصفیه نموده به تصویب انجمن میرزاهادی‌خان و حیدرخان کتولی به حکومت کتول برقرار گردیده، میرزامهدی‌خان سرتیپ به حکومت فندرسک و علی اکبرخان پسر ایلخانی به اتفاق برادرهایش به‌دهات اربابی خود رفتند.

اغتشاش بندر جز

به سبب تعدیات عدلیه در بندر و جلوگیری سرحددار اهالی بندر و فرقه شده به انجمن استراباد اطلاع دادند. یک نفر از کارگراری، یک نفر از طرف انجمن و یک نفر از طرف تجار برای رسیدگی و اصلاح فی‌مابین آنها بندر جز رفتند.

درباب نودیجه

بیست و یکم ماه اگست رعایای نودیجه نزاع کرده طرفین سرودست زیادی شکسته، دو نفر توپچی از طرف نایب‌الحکومه به قریه مزبور رفته اهالی قریه مأمورین را چوب مفصلی زده مراجعت کردند. بیست و سیم ماه مذکور حاج شیخ حسین به حمایت رمضانعلی صدنفر ایلجار خبر کرده برای مقصرین نودیجه. صبح ۲۵ اگست خبر رسید آقاعلی‌خان گماشته سالاراکرم هزارجریبی استعداد زیادی در نودیجه جمع نموده ابداً واهمه از انجمن و غیره ندارند.

نمره ۱۵۹

غره سپتمبر

قتل کودار

بیست و ششم ماه اگست خبر رسید پنجاه نفر سوار جعفر بائی را سرحد قریه کردمجله چهار فرسخی مغربی بسخو داشته يك نفر کودار را سهواً تفنگ زده کشتند. چون در تمام دهات استرآباد طایفه کودار ساکنند که شبها بیرون قریه شلتوک را محافظت می نمایند و تراکمه هم به این طایفه رجوعی ندارند.

تلگراف طهران

بیست و هشتم ماه مذکور فرمانفرما وزیر داخله تلگرافی به ساعدلشکر نمودند: در این موقع که نواب والا امیراعظم در شاهرود هستند شما مستقلاً نایب الحکومه می باشید، طوری که شایسته خدمتگزاری به ملت و دولت است البته مواظبت خواهند نمود تا ایالت استرآباد مراجعت نمایند.

قتل ترکمان

بیست و نهم اگست تراکمه جعفر بائی به کردمجله می روند. اهالی قریه خبردار شده جلوگیری و طرفین شلیک تفنگ نموده يك نفر ترکمان مقتول خبرش را به شهر آوردند.

جمع شدن سوار

به سبب قتل يك نفر ترکمان به قریب سیصد سوار جمع شده، چون اطراف کردمجله مستحکم و جنگل سخت است نتوانسته تقاص نمایند. سلخ ماه مذکور زیرحد قریه اجابن يك فرسخی شهر بسخو نموده دوفرا اهالی قریه که جوان رشیدی بودند، دوفنر ترکمان آتابائی میهمان خود را برده به صحرا برسانند، يك مرتبه سیصد سوار از نیزار بیرون آمده دوفنر جوان اجانبی را به قتل رسانیده رفتند.

درباب تراشیدن سرزنی را

ایضاً در باغو ۱۹۴ شش فرسخی مغربی زنی شوهر خود را به تحریک غیرسم خورانیده فوت شد. از طرف انجمن دوسوار به قریه باغو رفته مشارالیه را بامحرك مغاولا به شهر آورده بعد از تحقیقات لازمه امر نمودند ضعیفه را سر تراشیده در بازار گردانیدند.

درباب مولود شاه

غره ماه سپتمبر به امر نایب الحکومه در بازار جار کشیدند که شب بیست و هفتم ماه شعبان را برای تولد سلطان احمد شاه چراغبانی ۱۹۵ و جشن بگیرند.

نمره ۱۱۵۰

۷ ماه سپتمبر

درباب قتل قاضی حاجی جعفر خان

عصر روز دوم ماه سپتمبر حاجی جعفر خان پسر حاج عبدالصمد خان را تراکه ایلغی نیم فرسخی قریه سرخانکلاه به قتل رسانیده سه نفر اسیر چهار قبضه تفنگ و راندل و دو بست و سی رأس گاو چپاول کرده، نعش مقتول را به شهر آوردند. لکن قتل حاجی جعفر خان به تحریک حیدرقلی خان پسر حاجی رحیم خان است. به واسطه کلاتری سرخانکلاه محرک شده عمویش را کشتند.

در باب چراغبانی ۱۹۵

شب دوم ماه مذکور برای تولد سلطان احمد شاه جزئی چراغبانی در بازار و آتش بازی مختصری در توپخانه نمودند.

درباب سرقت

ایضاً دزد طایفه آتابائی یک رأس مال از قریه سلطان آباد به سرقت بردند.

نجات سه نفر اسیر

چهارم ماه سپتمبر حیدرقلی خان پسر حاجی رحیم خان کاغذی به محمد خان ایلغی نوشته سه نفر اسیر را بفرست و گاوهارا هم جفت ده تومان از رعیت گرفته مسترد نمائید. تا چه شود.

درباب ترکمان

ایضاً طایفه جعفربائی و ایلغی باطایفه آتابائی مذاکره برای مراجعت امیر اعظم داشتند. اگرچه نواب والا در استرآباد دستور العمل به ترکمانهای جعفربائی و ایلغی داده بود زمان حرکت از شاهرود هم چند کاغذ به خوانین جعفربائی نوشته بودند که دهات استرآباد را نچاپید و برهم نزنید. انشاء الله برای شماها منصب و مواجب درست می کنم و خیال جعفربائی به شرارت بود. لکن طایفه آتابائی جلوگیری نموده راضی نشدند. جواب

گفتند هر کس در سدد خود دخالت نماید. شمالی و شرقی متعلق به اتابائی می باشد، تایک نفر از اتابائی زنده بماند امکان ندارد که جعفر بائی متصرفات نماید.

درباب قتل قزاق روس

به عرض رفته بود در گموش تپه يك نفر قزاق را به قتل رسانیدند و یازده نفر ترکمان را به عشوراده برده حبس نمودند. در ضمن پنجاه عدد لتکا از مال آنجا را اهالی گموش تپه دریاییگی به عشوراده برده ضبط و یازده نفر ترکمان را رها کرده سیصد تومان وجه گرفتند.

درباب گنبد قابوس

ششم ماه مذکور خبر رسید کموسر روس به سمت روسیه رفته در عوض مأمور دیگر خواهد آمد.

درباب ورود سرباز

ایضاً هفتم ماه سپتمبر صد نفر سرباز عرب و عجم بادونایب برای قراولی ارکو محافظت به شهر وارد شدند.

نمره ۱۱۱

۲۶ سپتمبر

درباب مدرسه امیریه

مدیر مدرسه امیریه چندی به طهران رفته مراجعت نمود. ماشین جوراب بافی برای اطفال مدرسه آورد، مشغول کار می باشند. لکن عده اطفال هفتاد نفر رسیده است.

درباب تجدید ایالت

۱۴ ماه سپتمبر نواب امان الله میرزا ایالت استرآباد به ساعدلشکر تلگراف تبریک خود را نموده بود، دو ساعت به غروب حاج شیخ حسین رئیس انجمن و نایب الحکومه در تلگرافخانه رفته هفت تیرتوپ شلیک کرده و تلگرافاً تبریک گفتند و به خوانین یموت فوراً اطلاع داده تا ورود ایالت شرارت نکرده مشغول خدمتگزاری بوده باشند. تاجه شود.

درباب سرقت

شب پانزدهم ماه مذکور دزدطایفه ترکمان به شهر آمده دورأس «ورزا» سرقت کرده بردند.

درباب ورود قونسول روس

ورود ایوانف قونسول روس را به توسط کارگزاری به ساعدلشکر اطلاع دادند. صبح شانزدهم سپتمبر نایب الحکومه در یک فرسخی شمالی دوباب چادر و تشریفات برای ورود قونسول مهیا کرد. دو یدک با چند سوار هم از طرف نایب الحکومه و کار گزار استقبال رفته مقارن غروب با احترام لازمه وارد به قونسولگری گردیدند.

درباب منازعه انجمن بارئیس عدلیه

حیدرخان کتولی ورؤسای کتول قرار بود سیصد تومان حقوق عدلیه را بدهند، به این جهت حاج شیخ حسین و رمضانعلی به همراهی رؤسای کتول با حاج مشارالدوله رئیس عدلیه طرف گردیده، مدتی است کاغذهای خشن به هم می نویسند. در ضمن انجمن اهالی کردمجله را محرک گردیده عدلیه را بستند. میرزا شریف برادر منشی قونسول روس به ریاست عدلیه کردمجله انتخاب شده بود. اشرار کردمجله شب به خانه معزی الیه ریخته نسبت به عیال میرزا شریف دست تعدی دراز کرده بدین سبب میرزا شریف با عیال مراجعت به شهر کرده، میرزا جعفر منشی دوستانه مجازات اشرار را از کردمجله خواسته. نایب الحکومه قوه و اسنعدادی برای دستگیر کردن اشرار مزبور ندارد. تاجه شود.

درباب مسلمان شدن یک نفر روس

هیجدهم ماه مذکور یک نفر روس از بندر جز به استرآباد آمده منزل ملاعلی پیشنماز رفته اظهار داشت که من در کراسنودسکی خواب دیدم مرا مسلمان نمایند. پیشنماز مزبور کلمه شهادت را برای شخص مسیحی جاری کرده، مسلمان شده و در مدرسه درب نو منزل کرده تحصیل می کند.

درباب مهتر کلاه

بیست و سیم ماه سپتمبر چند نفر خوانین جعفربائی به شهر آمده باباخان دلاق مشهور به لجاجت خوانین یک عده سواری برداشته به مهتر کلاه چهار فرسخی مغربی چپاول رفته، اهالی قریه خبردار شده تراغ سخت می نمایند، یک نفر ترکمان مجروح، دواسب از آنها سقط گردیده برگشتند.

درباب سرقت

اهالی قریه سعدآباد نیم فرسخی مغربی در تابستان تماماً مواشی خود را به جهان نما بیلاق بردند. اوایل فصل پائیز مراجعت می نمایند. شب بیست و پنجم سپتمبر یک بلوک گاو از جهان نما برگشته، نصف توی قریه رفته بود و نصف بیرون قریه بوده، هفت نفر سوار جعفربائی به عنوان دزدی رفته چهل رأس گاو سعدآبادی را چپاول کرده بردند. صاحبان گاو آدم فرستاده گاوها را بخرند. ترکمانها چهار صد تومان قیمت کرده ندادند.

درباب قتل کتولی

۲۶ ماه مذکور خبر رسید طایفه داز يك نفر از مباشرين کتول رادر صحرای کمالان به قتل رسانیده تفنگ و مال او را بردند.

نمره ۱۱۲

۶ ماه اکتبر

درباب چپاول گاو

بیست و هفتم ماه سپتمبر سوار طایفه داز به سلطان آباد آمده دویت رأس گاو چپاول کرده بردند. ساخلوهای قریه مذکور تملق زیادی از طایفه داز کشیده، صاحبان گاو صدو بیست تومان وجه داده گاو را مسترد نمودند.

درباب حکومت

ایضاً پسر حاج مشارالدوله رئیس عدلیه تلگرافاً خبر داده که ایالت استرآباد و سمنان و دامغان و شاهرود را به امیراعظم داده اند. لکن حاج شیخ حسین و سایر اعضای انجمن از آمدن نواب والا خوشایند نمی باشند.

درباب دونفر اسیر

شب غره ماه اکتبر دونفر طفل از بیرون قریه حسین آباد سه فرسخی شرقی تراکمه طایفه داز به سرقت بردند.

درباب وضع حمل زنی

ایضاً در محله سرپیر عیال سید حاجی آقانام وضع حمل نمود: دوپسر و يك دختر. دو طفل فوت شد و یکی باقی ماند.

درباب چپاول

دویم ماه مذکور خبر رسید به قرب دویت سوار از طایفه دویچی و ایلغی جمع شده به قریه ترنگ تپه سه فرسخی شرقی رفته چهل و پنج رأس گاو چپاول کرده بردند.

درباب مدیر روس کالینکوف

بعد از ورود ایوانف خبر رسید به واسطه قتل قزاق درگموش تپه کالینکوف مقصر است سابقاً مأموریت اصفهان به مشارالیه داده شده بود. به سبب قتل قزاق از استرآباد به روسیه رفتند. انجمن استرآباد و کارگزاری و تراکمه جعفر بائی تماماً از رفتن مدیر

مذکور خوشحال می باشند.

درباب اغتشاش مازندران

چندی است خبر اغتشاش مازندران و نزاع امیراعظم بارشیدالسلطان ۱۹۶ بستگان ملا محمود قاری و خارج کردن نظام السلطان [از] حکومت ساری و برقرار نمودن حبیب الله خان اشجع الملك را به حکومت ساری و همدست شدن عموم اعیان مازندران به استرآباد رسیده است.

درباب محمدعلی میرزا

پنجم ماه اکتبر يك نفر ترکمان جعفر بانی به شهر آمده اظهار داشت تجار گموش تپه در روسیه محمدعلی میرزا را ملاقات نموده اند و دو نفر از جانب نواب محترم به حسینقلی آمده يك قاب ساعت طلا به شیوخ ترکمان داده از قرار مذکور در گموش تپه هم خیال دارند برای ورود اجزاء محمدعلی میرزا عمارت جدیدی بسازند. تاچه اقتضا کند

نمره ۱۱۳

۱۳ اکتبر ۱۹۱۵

درباب مبشر همایون

مدتی بود اداره نظمیه به واسطه نرسیدن حقوق پولیسها بعضی استعفاداده و تفنگها را گرو گذارده و برخی فرار کردند. رئیس نظمیه پانصد تومان از طهران برات صادر کرده، انجمن استرآباد تصدیق نمی کردند. هفتم ماه اکتبر ساعدلشکر به اتفاق حاج شیخ حسین رئیس انجمن دیوانخانه منزل نظمیه رفته بعضی ایرادات به او وارد کرده مشارالیه جواب داد که شما حق ندارید از من ایراد نمائید. ساعدلشکر متغیر شده امر نمود مبشر همایون را کشان کشان در توپخانه برده سوار خواست که او را از شهر بیرون نمایند. فاصله نکشید رفعت الممالک امین مالیه را برای پیشرفت کارهای خودشان آنچه بخواهند از وجوهات خالصه و امین مالیه بدون عذر تسلیم محض شد. همین حکم را نمودند. بعد از کشیدن از مجلس و احضار سوار بعضی از مردم توسط کرده امین مالیه و رئیس نظمیه را بخشیدند. دویست و پنجاه تومان وجه به رئیس نظمیه داده سی نفر پولیس برای خدمت حاضر نماید و امین مالیه هم به تصدیق انجمن خالصه جات را اجاره بدهد.

درباب تلگراف سرحددار بندر

هشتم ماه مذکور معاضد الملك سرحددار بندر جز تلگرافاً به انجمن و نایب الحکومه

خبر داده از مازندران خبر رسیده است قشون زیادی برای تصرفات گمرکخانه بندر خواهد آمد. درخانه حاج شیخ حسین انجمن نمودند که بیست سوار بدریاست کربلائی محمدخان یاور بندرجز فرستاده شود. صبح نهم اکتبر مشارالیه با بیست سوار برای محافظت عدلیه و گمرکخانه بندر جز رفتند.

درباب روسها

مسیوایوانف قونسول روس بعد از ورود به استرآباد بدوزیرمختار خود راپرت داده استرآباد چون محل تفرج گاه ندارد اطراف تماماً جنگل است اجازه حاصل نمایند از قونسولگری تا دوفرسخی شمالی خیابانی درست بشود که برای گردش وایاب و ذهاب دوچرخه از خوجه نفس به شهر سخت نباشد. وزیر امور خارجه به جناب وزیرمختار روس دراین باب اجازه داده اند. قونسول روس از نایب الحکومه دونفر ۱۹۷۰۰۰ برای بازدید خیابان شمالی خواسته چقدر مخارج دارد. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

یازدهم ماه اکتبر يك نفر ترکمان آتابائی رایك فرسخی شمالی لخت کرده مال و يك بارآرد او را بدسرت بردند.

درباب بردن ترکمان آخوندها را

دوازدهم ماه مذکور سه نفر آخوند اربابان قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی يك ساعت به غروب به سمت شهر می آمدند. سه نفر سوار ترکمان سه نفر آخوند را بادورأس مال و دوبار شلتوك چپاول کرده رفتند.

نمره ۱۱۴

بیستم اکتبر ۱۹۱۵

درباب آخوندها

ساعداشکر نایب الحکومه امر نمود دونفر ترکمان طایفه داز را درعوض سه نفر آخوند گرو نموده به شهر آوردند.

درباب بردن اسیر

پانزدهم ماه اکتبر طایفه ایلغی يك نفر قاسم نام شهری را يك فرسخی شمالی اسیر کرده بردند.

درباب آوردن آخوندها

به سبب گرو نمودن دوفتر ترکمان طایفه داز هفدهم ماه مذکور صدفتر آخوند وقاسم نام رابه شهر فرستاده، دوفتر ترکمان را رها نمودند.

درباب سوار جعفر بائی

هیجدهم ماه اکبر صدفتر سوار جعفر بائی بدقریه محمدآباد یک فرسخی شمالی چپاول آمده اهالی قریه جلوگیری نموده دوساعت نزاع کردند، دورأس اسب ترکمانها تیر افتاده رفتند.

درباب دو قتل

شب نوزدهم ماه مذکور سه نفر سوار ایلغی بیرون دروازه شهر عباس نام چوپان رابه قتل رسانیده مراجعت جنب قریه کریم آباد یک نفر را تفنگ زده فوت شد.

درباب چپاول مال رغفر

روز مذکور دوفتر ترکمان ایلغی یک رأس مال رغفر نام کرمی را دوفرسخی شمالی گرفته رفتند.

درباب مازندران

ایضاً خبر رسید پانصد سوار کلبادی و عبدالملکی و کرد و ترک به ساری رفتند.

درباب مازندران

امیر اسعد پسر سپهدار باجمعی وارد بارفروش گردیده و سرکرده های مازندران به توسط تجار گموش تپه بامحمدعلی میرزا ارسال مرسول می نمایند. از قرار مذکور نماینده از طرف محمدعلی شاه هفته قبل در حسینقلی آمده خوانین ترکمان را ملاقات کرده، من جمله از دستور العمل ایشان است تراکمه جعفر بائی اسب برای خود می خرند.

درباب سوار جعفر بائی

ملاخان گماشته قونسولگری روس به شهر آمده اظهار داشت خوانین مازندران سوار جعفر بائی را خواسته اند. ترکمانها به ملاحظه اینکه از کناره دریا بروند از اهالی کرد محله اطمینان ندارند، لهذا از قونسول روس اجازه خواسته از راه دریایالتکابه سمت ساری بروند. ایوانف قونسول روس اجازه نداده از دریا بروند. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب بیستم ماه اکبر دزد طایفه جعفر بائی بدقریه سعدآباد نیم فرسخی شرقی رفته بیست و چهار رأس گاو به سرقت بردند

نمره ۱۱۵

سلخ ماه اکتبر ۱۹۱۰

درباب سرحددار

بیست و دویم ماه اکتبر خبر رسید به سبب هرج و مرج بودن بندر جز معاضد الملک سرحددار آنجا به رشت رفتند.

درباب قتل

شب بیست و چهارم ماه مذکور چند نفر ترکمان سارق از سعدآباد مراجعت کرده اهالی قریه لمسک سر راه را گرفته یک نفر ترکمان را تیر زده با اسب به زمین خورد. اسب سقط شد و صاحبش به صحرا رفته فوت شد.

درباب تقاص

شب بیست و پنجم ماه اکتبر ترکمان آتابائی برای تقاص به قریه لمسک یک فرسخی مغربی رفته یک نفر رعیت قلندر محله را به قتل رسانیده رفتند.

درباب بندر

به عرض رفته بود برای محافظت عدلیه بندر، ساعدلشکر سوار فرستاده، به سبب نرسیدن مخارج به آنها کربلائی محمدخان یاور بدون اجازه انجمن و نایب الحکومه با سوارها مراجعت کردند.

درباب سرقت

شب بیست و هفتم ماه مذکور دزد طایفه آتابائی دو رأس گاو از قریه فوجرد به سرقت بردند.

درباب شهر

به سبب شرارت تراکمه، اعضای انجمن و نایب الحکومه تفنگ به مردم داده شبها برای محافظت شهر بیرون دروازه رفته کشیک می کشند.

درباب جعفربائی

کاغذی طایفه جعفربائی نوشته زیاده از دو بیست مهر داشت برای حاج محمد حسین رئیس کرد محله فرستاده، سوار جعفربائی خیال دارند از کناره دریا و راه ملاکیله به مازندران بروند. هر آینه ممانعت نمایند تراکمه لابد است اردو انداخته اول با کرد محله

تراع نماید. حاج محمدحسین رئیس چون برضد انجمن ولایتی می باشد به تراجعه جعفر بانی اجازه داده برونند. لکن از مازندران خبر رسیده بعد از ورود امیر مکرّم لاریجانی با سرباز و سوار به بار فروش از طهران تلگرافی رسیده، لکن خیال اصلاح دارند. هر آینه اصلاح نشود امیر مکرّم و سرکرده های مازندران و امیر اسعد خیال آمدن استرآباد دارند. تاجه اقتضا کند.

در باب حقوق

انجمن ولایتی استرآباد با رفعت الممالك امین مالیه قرارداد مقرر و استمراری اهالی استرآباد را نصف بدهد و نصف حقوق را توقیف گذارده برای لوازمات و تهیه قشون نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۱۶

۳۱ نوامبر ۱۹۱۵

در باب مالیات لیوان

قهارخان اترانی در طهران لیوان هشتکه را از سیف الملک پنج ساله سی هزار تومان اجاره نموده. قادرخان برادر مشارالیه خواست مالیات بگیرد اهالی لیوان هشتیکه شورش کرده مالیات ندادند. از طرف ساعد لشکر چند نفر توپچی برای گرفتن مالیات رفته اعتنائی نکردند. مجدداً چند سوار مأمور گردیده هزار و هشتصد تومان مالیات دیوانی را وصول کرده آوردند.

در باب کموسر روس

شب ۶ ماه نوامبر کموسر از گنبد قابوس با پنجاه نفر چکت آمده سوارها را در محمدآباد یک فرسخی شمالی گذارده خود بایک نفر سوار به شهر آمده اعتصام الممالك را ملاقات کرده اظهار داشت که موقع محاکمات گنبد قابوس است من خیال دارم بروم گموش تپه، از آنجا چند روزی به شاه قدم می روم. ده روز دیگر مراجعت می کنم و شما هم رسماً باید ده [روز] دیگر در گنبد قابوس حاضر باشید. از آنجا به قونسلگری رفته روز ششم بعد از ظهر حرکت به سمت گموش تپه نمودند.

در باب دواسیر

هشتم ماه نوامبر خبر رسید سوار طایفه قجق دو نفر [را] از نوده میرزا اسمعیل خان محالات فندرسک اسیر کرده بردند.

در باب سرقت

شب دهم ماه مذکور دزد طایفه جعفربائی دو رأس مال از قریه ورسن يك فرسخی مغربی به سرقت بردند.

در باب فندرسك

چندی است يك نفر نماینده از طرف انجمن و عدلیه به فندرسك رفته به اتفاق میرزا مهدی خان برادر ایلخانی مالیات فندرسك و کوهسار را جمع آوری نمایند. رعایای فندرسك محض آسایش خودشان و به خاطر علی اکبرخان پسر ایلخانی اعتنائی نکرده، مقصود رعایا کلیه ندادن مالیات است. اهالی کوهسار هم مالیات نداده جواب کردند. تاجه اقتضا کند.

سالاراکرم

محمدباقرخان سالار مدتی در طهران بود. رؤسای انجمن اورانایب الحکومه استرآباد قرارداد فرستادند. ورود سالار در هزارجریب، انجمن استرآباد مخبر شده محض آسایش خود تلگراف چندی به طهران نمودند. انجمن ولایتی ساعدلشکر را برای نیابت خواهان است. محمدباقرخان سالاراکرم در کفشگیری آمده به ضدیت ساعدلشکر با ترکمانها خصومت ورزیده انعام و جایزه زیادی از برنج و خلعت داده چند مرتبه امر نمود مأمورین ساعدلشکر را در دهات سدن رستاق چوب می زنند و همه روزه تراکمه جعفربائی به کفشگیری آمده به دستور العمل سالار شرارت می نمایند. تاجه اقتضا کند.

در باب قتل

دوازدهم ماه نوامبر خبر رسید طایفه جعفربائی در کردمحله يك نفر جوانی را قتل نموده تفنگ مقتول را بردند.

ایضاً قتل و اسیر

شب ۱۴ دزد ترکمان به قریه گلو يك فرسخی مغربی رفته يك نفر را مقتول و يك نفر اسیر گرفته بردند.

تلگراف حجج اسلام

هفدهم ماه نوامبر از نجف اشرف حجج اسلام تلگرافی به انجمن ولایتی استرآباد نموده که به واسطه انقلابات و خیالات و تحریک و قرارداد دولتین خارج لازم است که غرضهای شخصی را عموماً به کنار گذارده باهم مواسات و برادری نمائید. حاج شیخ حسین رئیس انجمن محض صلح جوئی باجمعی به منزل حاج سیدطاهر مجتهد رفته صرف ناهار نمودند. روز هیجدهم مسجد گلشن را فرش کرده عموم علمای بلاد و تجار و غیره حاضر شدند. تلگراف حجج اسلام را روی منبر قرائت نمودند و همه زیاده در خلق

افتاد که ایران را دولت انگلیس و روس باهم تقسیم کرده‌اند.

درباب قتل و اسیر

شب ۱۹ ماه مذکور سوار جعفر بائی به قریه سرکلاه دوفرسخی مغربی رفته يك نفر را به قتل رسانیده، يك نفر چوپان را اسیر کرده بردند.

درباب سرقت

ایضاً دزد طایفه آتابائی دو رأس مال از قریه علوی کلاته يك فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

نمره ۱۱۷

غره ماه دسمبر ۱۹۱۵

درباب چپاول

عصر بیست و دوم نوامبر چند نفر مکاری از شهر به سمت قریه مرزبان کلاته می رفتند تراکمه آتابائی دوفرسخی مشرقی بسخو داشته پنج رأس قاطر، چهل تومان وجه نقد را گرفته بردند.

درباب قتل فندرسک

بیست و سیم ماه مذکور خبر رسید تراکمه قجق يك نفر رعیت حاندوزی را در فندرسک به قتل رسانیدند.

درباب سرقت

شب بیست و چهارم نوامبر دزد طایفه داز به قریه اصفهان کلاته دوفرسخی مشرقی رفته دوبار برنج بایک قبضه تفنگ و راندل گرفته بردند.

درباب سرقت

ایضاً سوار جعفر بائی چهل رأس گاو از قریه زنگی محله نیم فرسخی شمالی سرقت کرده بردند.

درباب کارگزار

روز بیست و ششم نوامبر اعتصام الممالك رئیس کمیسیون و کارگزار استرآباد با سدنفر قزاق از راه کتول و فندرسک برای محاکمات کمیسیون به گنبد قابوس رفتند.

درباب لیوان

به عرض رفته بود قهارقلی خان اترانی لیوان هشتیکه را از سیف‌الملک اجاره کرده در صورتیکه انجمن و نایب‌الحکومه برای کلاتری مشارالیه سفارش سخت به لیوانیها کرده اصلاح پذیرند، ایشان را راه ندادند.

تلگراف انجمن استرآباد

منتشر است که انجمن آذربایجان تلگرافی به انجمن استرآباد کرده در انجمن ولایتی به چند سفارت دایره در طهران شکایت نمایند که دولت روس قشون خود را از سرحدات به شهر خود عودت دهد. بیست و هفتم ماه نوامبر در انجمن چند تلگراف نوشته مخابره نمایند. قونسول روس مطلع گردیده منشی خود را نزد حاج شیخ حسین رئیس فرستاده گفت که شما حق ندارید این گونه مذاکرات را در هر مجلس و هر مجامع بنمائید. به جای خودتان بنشینید. ابدأ در انجمن و غیره سخنان بیهوده رانست به دول متحابه ترنید و قشون ما هم به حرفهای شماها از سرحدات خارج نخواهد شد.

درباب جعفربائی

به تحریک سالاراکرم چند نفر قضات گموش تپه و خوجه نفسی الاچیق خود را به قراتپه زیر حد قریه کرد محله آورده و برای قلیچ ایشان کاغذی نوشتند که با استعداد خود از گوکلان به جعفربائی بیائید. در ضمن قضات مزبور کاغذی به انجمن و ساعدلشکر نوشتند که هزار تومان برای مخارج اردوی ما بفرستید یا جواب نمائید. تاجه اقتضا کند.

راپرت شاهرود

ایماً خبر رسید که اهالی شاهرود رئیس نظمیه و پولیس را چوب مفصلی زده به واسطه هرج و مرج بودن انجمن شاهرود استعفا داده به منزل نشستند.

درباب حکومت

سلخ ماه نوامبر دو طغرا تلگراف برای نایب‌الایاله رسید، یکی از طرف نواب والا عین‌الدوله سفارش سرحدی و تعیین حکومت بود و یکی هم نواب امان‌الله میرزا سفارش زیادی برای انتظام امور مملکت و حرکت خود را که عماقرب با استعداد خواهیم آمد.

نمره ۱۱۸

۸ دسمبر ۱۹۱۵

درباب حاجی محمود آقا

مشارالیه از ملازمان میر سعدالله خان ایلخانی بود. مشروطه خواهان بالینکه در

حکومت امیر اعظم مستمسک کرده مدتی او را حبس [کرده] و هشتصد تومان از او جریمه گرفتند اکتفا نکرده به عنوان محرک شدن تراکمه جعفر بائی را دویم ماه دسمبر نایب الایاله او را احضار کرده به قرب دو ساعت چوب مفصلی به مشارالیه زده در حبس برده زنجیر به گردش گذاشتند.

درباب سرقت

شب چهارم دسمبر سه نفر سوار طایفه داز به سرداری عرش نام به شهر آمده سیصد و پنجاه رأس گوسفند رعیت جعفر آباد که در محله سرپیر خوابیده بود چپاول کرده بردند. در صورتیکه چوپان در آنجا خوابیده بود. صبح خبردار شده فوراً به نایب الحکومه عارض گردیده چند نفر خوانین طایفه داز هم در منزل ساعدلشکر حاضر بودند. حسب الامر به صحرا رفته گوسفندها را بیاورند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب سیم ماه مذکور دزد طایفه ایلغی يك رأس مال از قریه چارچنار دوفرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب قتل

روز پنجم ماه مذکور اسمعیل نام مباشر عنایت خان ساکن سدن يك فرسخی مغربی از شهر اسباب عروسی خریداری نموده مراجعت می کند. مقارن غروب بین راه او را تفنگ زده به قتل رسانیده و تفنگ او را بردند. تاجه شود.

درباب قتل

شب ششم ماه دسمبر تراکمه ایلغی به قریه سرخونکلا ۱۹۸ دوفرسخی مشرقی رفته آقا علی خان پسر حاج عبدالصمد خان را بکشند. معزی الیه خود را محافظت نموده، ترکمانها در عوض دو نفر شاهکوهی را توی آبدنگ به قتل رسانیده رفتند.

درباب سرقت

شب هفتم ماه مذکور دزد تراکمه توی شهر آمده بین محله میدان و بنی کریمی يك خانه را شکافته دورأس مال و يك رأس گاو و مال سید مکاری را به سرقت بردند.

درباب عدلیه

انجمن ولایتی اعضای عدلیه را عوض نموده به واسطه حرکات زشت و حکم غیر قانون که از شیخ حمزه و حاج شیخ غلامحسین بروز نموده است ایشان را خارج، آقاسید

عی محمد کتولی را با شیخ محمد آهنگر محله‌ای به جای ایشان برقرار نمودند.

نمره ۱۱۹

۱۵ ماه دسمبر ۱۹۱۵

درباب چپاول

نهم ماه دسمبر خبر رسید سوار طایفه قجق هزار و سیصد رأس گوسفند از حاجیلر چپاول کرده و چند خانوار از 'وبه خانی خان گوکلانی که وصل به قریه حاجیلر بوده به غارت بردند.

درباب چپاول

ایضاً سوار طایفه داز یک بلوک گوسفند و دوفتر چوپان از محالات کتول شش فرسخی مشرقی چپاول نموده آوردند.

درباب روسها

به عرض رفته بود کموسر با پنجاه نفر سوار جکت به گموش تپه رفتند است. یازدهم ماه دسمبر ایوانف قونسول روس بامیرزا جعفر خان منشی به گموش تپه رفتند. از بابت قتل دونفا قزاق روس دوازده هزار و سیصد تومان از اهالی گموش تپه گرفته مراجعت نمودند. در صورتیکه ترکمان قاتل در حبس روسها می باشد.

درباب نزاع

ایضاً خبر رسید هفت نفر ترکمان جعفر بائی برای هیمه به جنگل رفته، رعایای کرد محله بسخو داشتند. ترکمانها را تفنگ زده سه نفر مقتول و چهار نفر مجروح، دوسه اسب تراکمه را گرفته بردند.

درباب چپاول

ایضاً ترکمان ایلیغی یک بلوک گوسفند از میر محله چپاول کردند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید اهالی لیوان و نوکنده یک نفر ارمنی را توی جنگل دستگیر، یک بار جوراب، پانصد تومان وجه در جوف بار بود بردند.

درباب سرقت

شب سیزدهم اهالی گلوگاه دورأس اسب محمد علی خان سرهنگ را از نوکنده بردند.

درباب سرقت

دزد آتابائی هفت رأس گاو از قریه سیاه تلو يك فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب چپاول

شب چهاردم دسمبر يك دسته سوار طایفه ایلغی به سمت سدن رستاق رفته دست خالی برگشتند. ایضاً يك دسته سوار مذکور قریه سیاه تلو يك فرسخی مشرقی رفته يك بلوك گوسفند چپاول نموده اهالی قریه خبردار شده جنب قریه سلطان آباد جلو گیری نموده، طرفین دوساعت شلیك تفنگ کرده گوسفندها را پس گرفتند.

درباب اردوی تراکمه

طایفه جعفر بائی در قرا تپه پنج فرسخی مغربی اردوی خود را استعداد می دهند. از قرار مذکور انعقاد اردوی مزبور به دستور العمل سر کرده های مازندران است.

درباب حاجی محمود آقا

بد عرض رفته بود اعضای انجمن محرك شده مشارالیه را بی سبب چوب مفصلی زده حبس کردند. اهل و عیال حاجی محمود آقا به قونسول روس عریضه تظلمانه نوشته، قونسول شفاعت [کرده] از حبس بیرون آمد. برای اجحافات و تعدیات اعضای انجمن لابداً به قونسلخانه روس متحصن گردیده. تاجه شود.

نمره ۱۲۵۵

۲۸ ماه دسمبر

درباب کموسر روس

بیست و نهم ماه دسمبر خبر رسید کموسر روس ریش سفیدان طایفه قجق وقان یخمر را با پیر مردان فندرسك و رامیان احضار نمود بین ایشان را اصلاح نموده قرارداد بعد از این اموال یکدیگر را به غارت یا به سرقت نمایند و [اگر] از این فرار تخطی نمایند دوهزار تومان جرم بدهند. تاجه شود. ۱۹۹

درباب نوشته تراکمه جعفر بائی

از گموش تپه کاغذی به ساعدلشکر نایب الایاله نوشته بودند، سابقاً دو مرتبه به شما نوشته بودیم از مشروطه خواهان خود را خارج کرده مانند سایر گروه ها بروید، بدهات ملك رجوعی نداشته باشید. این کاغذ امر است که به شما می نویسیم. فوراً از کارها استعفا داده

از شهر بروید والا در موقع شما [را] سیاست سخت ۲۰۰

درباب تراکمه ایلغی

شب هیجدهم ماه دسمبر پنج نفر از طایفه ایلغی به سمت سدن رستاق چپاول رفته به تحریک ساعدلشکر هفت نفر پیاده دوفرسخی مغربی زیرحد قریه کفشگیری بسخوداشته سوارهارا تفنگ می زنند. یک نفر تیر گرفته چهاراسب از آنها مانده فرار کردند.

درباب روسها

اجزاء لیانازف از کردمحل به سمت ملاکیله می رفتند. از جنگل تیری خالی شده فوراً به قونسول راپرت می دهند. ایوانف قونسول روس مرتکب راز ساعدلشکر خواسته است و مأموری برای گرفتن مرتکب به کردمحل رفته. تاجه اقتضا کند.

درباب امیر مکرم و تراکمه

بیست و دویم ماه مذکور خبر رسید یک نفر قاصد از طرف امیر مکرم به جعفر بائی آمده سران جعفر بائی و ایلغی و داز را احضار کرده کاغذ امیر مکرم را برای ایشان خواندند که هر قدر از پول و تفنگ و آذوقه برای اردوی خود بخواهید می فرستم. شماها اطمینان کامل بدهید ماهم به سمت استرآباد حرکت نمائیم. ترکمانها و قضات جعفر بائی در جواب قاصد گفتند یک ماه مهلت می خواهیم برای سختی زمستان و آوردن هیمه. بعد اردوی خود را مرتب نموده به مازندران اطلاع می دهیم. شما هم با استعداد خودتان بیائید. برای اطمینان خوانین و سرکرده های مازندران ده نفر از جعفر بائی، دو نفر آتابائی و دو نفر از ایلغی و داز همراه قاصد امیر مکرم به مازندران رفتند که قرار صحیحی در این باب داده یک ماه دیگر سرکرده های مزبور با استعداد از راه کردمحل به جعفر بائی آمده انجمن استرآباد را برهم بزنند. لکن از کردمحل الی مازندران تماماً دولتی می باشند. تاجه اقتضا کند.

درباب متحصن قونسولگری

حاج علی نام با حاجی محمد مهدی تاجر پدر عیال ساعدلشکر برای یک دانگ قنات قریه مرزبانکلاته دوفرسخی مشرقی نزاع داشتند. قرار بود طرفین در محضر شرع طی گفتگو نمایند. حاجی علی مذکور از ترس نایب الحکومه به قونسلخانه روس متحصن گردیده است.

درباب تلگراف

بیست و سیم ماه دسمبر نواب عین الدوله به ساعدلشکر تلگراف نموده امان الله میرزا

فوراً حرکت به سمت استرآباد خواهد نمود. در صورتیکه تلگراف نواب والا دروغ محض است.

درباب روسها

بیست و چهارم ماه مذکور دو ساعت به غروب ایوانف روس با چند نفر قزاق يك فرسخی شمالی گردش رفته مقارن غروب مراجعت می نماید. اهالی محمدآباد به خیال تراکمه یاغی، ایشان را تفنگ می زنند. قونسول مراجعت به شهر به طور سخت مرتکبین را از مساعد لشکر خواسته، مشارالیه چند نفر اهالی محمدآباد را حاضر به توسط معاون کارگراری به قونسولگری فرستاده، يك نفر چوپان را چند شلاق زده مرخص نمودند.

درباب سرقت

شب ۲۵ دزد طایفه اتابائی سه رأس مال از قریه باباگلبن يك فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

ایضاً

ایضاً دزد طایفه اتابائی يك رأس مال از قریه مریم آباد نیم فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب روسها

شب ۲۶ ماه دسمبر قزاقهای قونسولگری ساعت هشت از شب يك مرتبه پنجاه تیر تفنگ شلیک کرده از طرف نایب الحکومه وانجمن به قونسول روس ایراد نموده جواب داد دزد به قونسلخانه آمده چند تیری برای آنها خالی نمودند.

درباب سرقت

شب ۲۷ ماه مذکور دزد طایفه اتابائی يك رأس اسب از فوجرد يك فرسخی شمالی به سرقت بردند.